

مطالعه

معارف بهائی

روشن اهل بهاء در نگارش تاریخ
در حال و استقبال

جزوه یازدهم

تالیف : دکتر علی مراد داودی

لجنة ملی مطالعات و انتشارات

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۲۶ پیچ

سلسله مقالات پای خود را از طریق انصاف^آ بهیشت از آنچسده
انتظار میرفت به کناره نهادند. تحقیق تاریخی را به صورت بحث جدلی
دینی درآوردند، تهمت سیاسی بستند، از هتک احترام و خروج
از حد اعتدال فروگذار نکردند، خود را از دید تاریخ نگاران
به صف رتبه نویسان بردند و چند مطلب دیگر بر صد هامطالب
مختلف و متنوع که تا کنون در رتبه امریهائی انتشار یافته و قدر وقوع
وجلال و نفوذ کلمه مبارکه بهاء الله را اثبات نموده است افزودند.

آنچه مورد توجه ما در این اوراق است مقاله دوم ایشان در شماره
۹ سال ۳ (آذرماه ۵) مجله "گوهر به عنوان" تاریخ نو پدیدرسنیل
زرندی" است. البته اهل بهاء هرگز قصد آن نکرده اند که ایرادی
را با ایرادی جواب گویند یا انتقادی بر انتقادی که از آنان شده است
بنگارند یا از نگارش مطالب در رتبه معتقدات خود به وحشت افتند
و در پی چاره جوئی برآیند. بلکه اینان در راهی که برگزیده اند به
نهایت استقامت و اطمینان بهیشت میروند، جز مقصدی که تحقق آن را
غایت آمال خویش می دانند به هیچ امری توجه ندارند، و این مقصد
به قدری عظیم است که نهایت مراتب قدرت و قوه و عظمت را در جمیع
کسانی که روی دل به سوی آن دارند به کار میگیرد و هیچ گونه فرصت
برای توجه با امور فرعی و جزئی و جانبی نمی گذارد. اینان "وحدت
عالم انسانی" را کمال مطلوب خود می شمارند. از طریق تألیف قلوب
و توحید عقاید و تحکیم علق سنی در تحقق آن دارند. در حذف
تعصبات و ترک تقالید و رفع وانعوت می کوشند احیاء معنی حقیقی

دین را در روزگاری که اکثر اقوام نوع انسان از مذاهب وادیان روی گردان شده اند و جنبه همت خویشتن می دانند. تجدید حیات فضاقل اخلاق را در قبال عوامل معارض که اینک در سراسر جهان از خاور و باختر فوغا می کند فریضه مذمه خود می شناسند و با تحکیم جهانی تشکیلات اداری دیانت خود و توسعه این تشکیلات در جمیع جزائر و ممالک و قارات به تهیه موجبات صلح عمومی اهدی از طریق وجدانی و ایمانی و معنوی، فارغ از فوغای سیاسی و دعوی ملکی می پردازند. پیدا است که چنین جمعی با این مقصد عظیم و شغل شاغل و تکلیف خطیر هرگز پروای آن ندارند که برسرمقاله ای که در مجله ای راجع به کتابی نوشته میشود و کسانی از این طریق در زمره اهل تحقیق جای میگیرند خود را گرفتار کشاکش سازند. انتشار امریهائی در ادویست و سی و د و مملکت و جزیره در دنیا معنی نیست که به سهولت بدست آمده باشد. بلکه جهاد روحانی یک قصد وسی و دو ساله اهل بها به تأیید باری تعالی در میان صفوف اعدا و در - بحبوحه بلایا و وزایا این نتیجه را حاصل کرده است، اگر چه - بهائیان خود این وضع موجود را به جای اینک نتیجه بنامند یکی از مراحل اولیه نهضت روحانی برای تحقق صلح جهانی می خوانند و به قصد تحصیل نتیجه مطلوبه در زمان بعید هر نسلی بعد از نسل دیگر تمام قوای خود را به کار میگیرند و پیش میروند. و ناگفته نماند که با هر قدمی که در راه توسعه نطق امریهائی در جهان بر میدارند خدمتی به ایران جاویدان می کنند و این اقلیم کریم را که موطن

حضرت بهاء الله و مهد امر بهائی است در سراسر عالم از شرق و غرب و جنوب و شمال قبله آمال نوع انسان می سازند .

چنین جمعی اگر کتابی منتشر کنند به قصد اشاعه تعالیم روحانی است ، اگر مقاله ای پردازند برای تشریح مقاصد آئین بهائی است ، اگر تحقیقی نمایند برای کشف علل اختلاف و تعصب و نفاق در بین اقوام عالم است ، اگر جریده های بنگارند برای راهنمایی قافلۀ صلح و صفاست اگر اعلامیه ای صادر نمایند برای بیان وضع موجود خویش در میان صفوف عناد و فساد است . کسانی که پیش میروند و می سازند و می آفرینند و امید می بخشند روانی دانند که معرکه ای از قبیل و قال به پاکند ، خود را به شیوه اسکولاستیک (Scolastique) با نزاع و جدال سرگرم سازند ، ادای تشیع و تحقیق در آورند ، جنس اط تحشیه و تعلیق بگسترند ، ورق پاره ها را زیر و رو کنند ، نسخه بدلها را تنگ هم بچینند ، غرق در منقولات و روایات شوند ، از کشف اسم مؤلف کتاب کهنه ای به وجد و وله آیند برای بازیافتن عنوان نسخه پوسیده ای غایت جد و جهد راه کار برند و از این طریق در صف اهل تحقیق جای گیرند .

پس آقای طباطبائی و دوستان او تعجب نکنند که چرا بهائی

به جای انتشار ایقان و اقدس و اشراقات به نشر متون تاریخی و تحشیه و تعلیق و تحقیق آنها به سبک مستشرقین نپرداخته اند . مقصد آنان از نشر "ایقان" بیان اسرار کتب الهی و تعیین اصول کلی معارف دینی و اثبات وحدت اسرار دیان با توجه به وحدت

ذاتی روح قدسی و تشریح مقاصد حقیقی رموز و علائم در آثار انبیا و توضیح معانی اصلی بشارات و نبوآت کتاب خدا بوده است.

با نشر کتاب " اقدس " به اعلام دین مبین و نسخ شرائع سابقه و اشاعه احکام جدید و تأسیس نظم بدیع به جای نظامات مضطربه عالم امکان پرداخته اند . با نشر مجموعه " اشراقات " اصول تعالیم بهائی را در مورد صلاح عالم و وحدت بنی آدم و تعلیم و تربیت عمومی و وحدت خط و زبان و تأسیس بیت العدل اعظم ترویج کرده اند . با نشر " مقاله سیاح " مقدمه‌ای به اجمال در بیان کیفیت ظهور حضرت باب بیان داشته اند تا نهایت بحث راهب تعالیم اخلاقی حضرت بهاء الله و سعی آن حضرت در ایجاد صلح و وفاق و وحدت و درج یکی از الواح ایه نام لوح سلطان و نقل نمونه‌های از آیات و کلمات و عبارات و از سائر آثار مبارکه اش برسانند و اکنون نیز روش اینان در معرفی دیانت بهائی همین اسلوب بدیع حضرت عبدالبهاء در مقاله شریفه است که مختصری از تاریخ ظهور امر بهائی را مقدمه تشریح تعالیم روحانی حضرت بهاء الله قرار می دهند و مطالعه سیرت درجی نشو و نما ی این درخت بارور را برای ترغیب ذوق صاحب دلان به اثمار خوشگوار آن مفید میبایند خلاصه آنچه اینان در حال حاضر در نظر دارند تبلیغ دیانت حضرت بهاء الله و نشر تعالیم روحانی بهائی است ، و البته این بدان معنی نیست که تألیف تاریخ را بهبوده بینگارند یا سعی در تحقیق مطالب در مورد وقایع گذشته راز افشای شمارند . چنین

گمانی از اینان که همواره دوستدار دانش و پیشرفت بوده اند بسیار در راست و منتهی انجام این امر از عهد خود در زمان حال برداشته و به آینده وا گذاشته اند. آن گاه که بسیاری از مراحل جهاد روحانی خاتمه پذیرد، آن گاه که بسیاری از مقاصد معنوی تحقق یابد، آن گاه که بسیاری از مشکلات تخفیف پذیرد، آن گاه که بسیاری از موانع صلاح و صفا و الفت و محبت پدید شود، آن گاه که علائم وصول به غایت آمال که وحدت عالم انسانی است پدید آید، آن گاه که آرام و قرار جای جنبش و جوشش را بگیرد، صفوف دانشوران محقق جانشین پیشروان مجاهد شوند، خلاصه همان وضعی پدید آید که در قرن پنجم میلادی در عالم مسیحیت و در قرن سوم هجری در عالم اسلام به ظهور رسید، فتح و ظفر و نصرت پایان گرفت و درس و بحث و حکمت آغاز شد، شور و نشور اهل جهاد جای خود را به قیام و قال اهل سواد بخشید.

آنچه در حال حاضر در زمینه نگارش تاریخ امریهائی بر عهد اهل بهاست و اگر این زمان بگذرد و این مهم انجام نپذیرد در آینده تدارک آن میسر نمیشود جمع اسناد و حفظ مدارک و ضبط اوراق است. این کوشش را جامعه بهائی هم اکنون به جد تمام انجام می دهد. یادداشت ها و گزارش ها و نامه ها و رساله ها و مقاله ها و کتابها و فرمانها و قباله ها و قراردادها و امثال ذلك را از هر قبیل تا آنجا که امکان دارد از مدت ها پیش از همه نقاط جمع می کنند، به تسویه و استنساخ و جمع و ضبط این مدارک و حتی تهیه عکس و فیلم آنها

می برد ازند و در محافظت مخصوص و اماکن مأمن نگاه میدارند منتهی نیک
می دانند که هیچ کدام از این کتابها و رساله‌ها و مجموعه‌ها که هر
مؤلفی به قصد خاصی به تألیف یکی از آنها دست برده است کتاب
" تاریخ " به معنی تحقیقی آن نمی‌تواند بود و کاشف از حقایق
امور چنانکه مقبول اهل عالم باشد به شمار نمی‌آید بلکه فقط اسناد
است ، مدارک است ، مفردات است و مأخذ است ، روایات
است ، اخبار آحاد است . . . تحلیل مطالب آنها ، انتقاد مادی
و صوری آنها ، مقایسه و تطبیق آنها و اتخاذ نظر جامع و شامل درباره
آنهاست که می‌تواند موجبات تدوین تاریخ را فراهم آورد . و برای
اینکه خاطر آقای محیط طباطبائی مستحضر باشد و از این پس
اگر به مناسبتی با انتشار یکی از این آثار مواجه شوند نگویند که این
کتاب تاکنون در کجا بوده و چرا در پرده خفا مانده است بحضورشان
بیان میشود که نه تنها نسخه خطی همین کتاب مورد بحث که دیگران
به نام نقطه الکاف شهرت دادند و ایشان انگشت انتقاد بر اسم
و رسم آن نهادند ، البته فارغ از همه تحریفات و الحاقات و فاقد
بسیاری از مقدمه مؤلف بر این کتاب و بدون همه مطالبی که از صفحه ۳۸
تا صفحه ۲۴۵ و از صفحه ۲۵۲ تا صفحه ۲۶۱ کتاب چاپی در شان
میرزا یحیی بر اصل کتاب افزوده اند در دست است بلکه کتاب -
تاریخ میرزا ابوطالب شه میرزادی بقیه السیف قلعه شیخ طبر^{سی}
و لطفعلی میرزای شیرازی از مجاهدان و جنگ آوران همان
قلعه و تاریخ میمه مهجور زواره‌ای و تاریخ ملا جعفر قزوینی

و تاریخ میرزا حسین زنجانی و تاریخ حاج معین السلطنه تبریزی .
و یادداشت های حاج نصیر قزوینی و تاریخ آقا شیخ محمد حسین
نیریزی و تاریخ هاشم خان خلخالی و تاریخ میرزا محمود زر قانی
و یادداشت های تاریخی میرزا ابوالفضل گلپایگانی و تاریخ آقا -
عبد الرسول کاشانی بر اساس تقریرات آقا حسین آشیخی و تاریخ
سمندر قزوینی و تاریخ میرزا حسن فوادی بشرویه ای و تاریخ -
میرزا حمید علی اسکوشی و تاریخ بیضا و الاخره مجلدات نه گانه
کتاب ظهور الحق تألیف فاضل مازندرانی و دهها نظائر آنها به
صورت نسخه های اصیل و صحیح و دقیق در اختیار بهائیان
است و اینها همه را با امانت و دقت نگاه میدارند و نسخه های
متعدد از آنها با تهیه فتوکپی ها و میکروفیلما فراهم می آورند
تا مبادا انحصار نسخه موجب زوال آن شود و همکاران آقای
محیط را در آینده دچار تأسف و تحسّر سازد . البته روزی -
خواهد رسید که اهل تحقیق این اسناد را از محافظ آنها -
بمرون آورند و تاریخ امر بدیع را با تحقیق دقیق در دهها جلد
ضخیم و حجیم تدوین نمایند . و سپاس خدای را که مخالفان امر
بهائی نیز ساکت ننشستند و هر چه توانستند درباره این امر به
زبان آوردند و از قلم جاری کردند و مدارک تحقیق در
کیفیت وقوع وقایع را اعم از اینکه به قصد نفی یا اثبات نوشته

- ۹ -

باشند افزون تر و انبوه تر ساختند و گذشته از اینها انعکاس این وقایع و ثبت جریان آنها در جراید عمومی و اسناد رسمی دولتی و ضبط مکاتبات در دفاتر محافل روحانی در سراسر عالم بهائی نیز حافظ بسیاری از وقایع تاریخی در دوره معتدی از تاریخ امر بهائی است. پس "فاضل محیط" بدانند که اهل بهائیان کتب که ایشان کتب تاریخی می نامند و حال آنکه این جمع آنها را مدارک تدوین تاریخ می خوانند زیاد در دست دارند، و فقط یکی از این گونه کتابها تاریخ نبیل زرنندی است.

نبیل زرنندی که در اواخر ایام مجاور حضور حضرت بهاء الله و مقیم عگا بود این کتاب را درباره وقایع دوره بابیه و ظهور حضرت بهاء الله که حیات خود او را مراحل مختلف آن مقارنت داشت در ارض اقدس نگاشت و آخرین مطلب را که در شرح صعود جمال ایهی بود بر آن افزود و اندک زمانی پس از آن مرگ وی را در ره بود مرگی که نشان سودای عشق و وفای بود و از عدم طاقت در تحمل فراق محبوب حکایت مینمود و خود او قبل از مرگ خویش ماده تاریخ مرگ را با کلمه "غریق" = ۱۳۱۰ " به سبکی که در مورد وقایع تاریخی داشت تطبیق کرد تا وقوع این واقعه را امروز "ارباب تحقیق" نتوانند طوری تعبیر کنند که بصورت قتل جلوه کند. بدین ترتیب این نسخه مخطوطه در ارض اقدس برجای ماند و به سایر آثار محفوظه در آن دیار ملحق شد و یکی از جمله دهها مدارک تدوین تاریخ امر بهائی به شمار آمد

زمان بدین سان گذشت تا مولی الوری عبد البهاء قصد ملکوت ابهی کرد و حضرت شوقی افندی ربانی بر سر پیرولا بیت عظمی استقرار یافت از جمله اموری که اراده این مولای توانا بر آن تعلق جست نشر آثار اصلی امر بهائی در مغرب زمین بود تا بهائیان اروپا و امریکا که از عهد حضرت عبد البهاء به امر بدیع ایمان آورده و روی دل بسوی کعبه مقصود کرده بودند و با امر بهائی تنها از طریق خطابات حضرت عبد البهاء در مدارس و کنائس و مجامع غرب و بعضی از مکاتیب آن حضرت آشنائی داشتند با متون اصلی دینی بهائی الفت جویند و محققان امر بدیع به طور عمیق و دقیق واقف شوند. برای اجرای همین امر بود که علاوه بر تألیفات مستقل و مکاتیب مفصل به زبان انگلیسی یک سلسله از کتب مقدسه حضرت بهاء الله مثل کتاب ایقان و کلمات مکتونه و قسمتی از کتاب اقدس و هفت وادی و لوح خطاب به آقانجفی و بسیاری دیگر از آنها را به این زبان ترجمه فرمودند و در ضمن این آثار برای اینکه بهائیان اروپا و امریکا با وقایع اولیه امر بدیع قبل از ظهور حضرت بهاء الله آشنا شوند و دوره بابت را با آن وقایع عجیبه و آثار باهره که داشته است بشناسند و علی الخصوص برای اینکه درس وفا و صفا و شهامت و شجاعت از دلبران مازندران و زنجان و تبریز و طهران بیاموزند به نشر کتابی در تاریخ این دوره از امر بدیع اراده فرمودند. برای این منظور تاریخ نبیل زندی را که نسخه وحیده آن در ارض اقدس بود و مؤلف آن بسیاری از وقایع تاریخ را به چشم خود دیده و به گوش خود شنیده و به دست خود نوشته بود و در بسیاری از مراحل

این افتخار را داشت که همد م و همقدم و جلیس و انیسر حضرتها^{۱۰} -
باشد و به قول شخص آقای محیط طباطبائی " یکی از شهود معاصر
یا چسبیده به عصر بروز این حوادث محسوب می شد و هر چه در این باره
می نوشت از اسناد دست اول و پرستۀ متقدم بشمار می آمد " اختیار
فرمود و بر اساس این متن تاریخی کتاب Dawn breakers
را که به معنی مطالع انوار است به زبان انگلیسی به قلم معجز شمیم
نگاشت و از جوزه ای از حیات روحانی به جهان نیان عرضه داشت که
از آن پس همواره محرک اهل غیرت و مشوق اصحاب حمیت در قیام
به خدمت بوده و آثار حسنه در شرق و غرب عالم بخشیده است و این
کتاب مستطاب هر چند در نقل وقایع تاریخی به کتاب نبیل زرنودی
استناد میکند و در ذکر اسمای اشخاص و شرح مجاری احوال و کیفیت
نقل حوادث و تفصیل مطالب با آن کتاب مطابقت می جوید هرگز
ترجمه آن کتاب به معنی متداول کلمه بشمار نمی رود بلکه اثر معتبری^{است}
که از کلمه اطهر ولی^{۱۱} امرالله جاری شده است تا سرگذشت ارواح
پاک را در جهان خاک بازگوید و عجایب احوال پیشروان قافله^{۱۲} مجت
را به اهل معنی عرضه دارد. این کتاب را به همین سبب که قلم -
ولی^{۱۱} امرالله زینت بخشیده و نظم بدیع و جلوه^{۱۳} جمیل داده است
ابتدا به عربی و از آن پس به فارسی ترجمه کردند و این جمله گفته
شد تا معلوم آید که اصل یا داشته های نبیل زرنودی مثل سایر مدار^ک
تاریخی ، منتهی البته به نسبت بیشتری از اعتبار مطالب ، در
محافظة اسناد قدیمی و مخازن کتب خطی برای اجرای تحقیقات

تاریخی و تدوین تاریخ امریهائی درآینده محفوظ است و از عدم انتشار آن تعجب نباید کرد. ترجمه فارسی از ترجمه عربی از ترجمه انگلیسی بدان سبب به عمل آمده است که ترجمه انگلیسی شاهکار است که به قلم ولی امر خدا رقم خورده و نشان از کلك قضا یافته و حماسه عشق و وفا شده است. جمعی که در مقام قیام قائم در سر شور و نشور از این کتاب مستطاب میگیرند و يك رويه و يك تنه و يك دله به صفوف جهاد روحانی روی آورمی شوند، و این است آنچه اکنون این جمع را به کار می آید. تتبع و تفحص و تجسس دیگران را ارزانی باد.

مشروط بر اینکه واقعا به شیوه اصحاب تحقیق اهل انصاف نیز باشند و مثلاً "رضاند دهند که بدون علم و اطلاع و تحقیق در مقاله خود بنویسند: "چرا... مخطوطی از آن هم زیر چشم بود ست کسی حتی در عگا و حیفا قرار نگرفته است." و نیز روانبینند کسه بگویند: "باعث نقش نام نبیل بر پشت جلد کتابی در تاریخ باب به زبان انگلیسی " فقط سرودن رباعیاتی در تاریخ امریه بوده است زیرا نبیل زندی علاوه بر این رباعیات و علاوه بر قصائد و غزلیات و علاوه بر مشنوی مستغلی در تاریخ امریه یک کتابه منشور نیز در این باب دارد و همین کتاب منشور است که مبنای نگارش کتاب انگلیسی به قلم ملهم ولی امر جلال قدم بوده و فرق نبیل را به فرقدان سوده است. اگر حضرت عبدالبها در کتاب تذکره الوفا نگارش کتاب تاریخ را به نبیل زندی منسوب نداشته اند دلیلی بر نفی وجود

این کتاب نیست زیرا تذکره الوفا را به یاد درگذشتگان از مهاجران
و مجاوران و مبلغان نگاشته و به ذکر آیات شهادت و خلوص و وفا
و انقطاع آنان اکتفا فرموده اند . چنانکه به تصدیق شخص آقای
محیط طباطبائی در شرح حال نبیل اکبر، فاضل قاضی، به کتاب
اودرتاریخ امریدیع و در شرح حال همین نبیل زرنندی به نظرهای
تاریخی او اشاره ننموده اند و حال آنکه آقای محیط تصدیق میکنند
که انتساب این دو اثر به آن دو نفر مسلم است . و یکی از اغرب
غرائب این است که بعضی از " اهل تحقیق " حتی این کتاب
مطالع الانوار را نیز تحریر دیگری از کتاب حاج میرزا جانی دانستند
و البته در این ادعا جرأت بسیار کردند زیرا که در سوق عبارات و نقل
وقایع و تفصیل مطالب هیچ گونه قرابتی حتی مناسبتی در بین آنها وجود
ندارد . چه باید کرد، گوئی مسلم گرفته اند که تا قیام قیامت هر کتابی
در تاریخ امریهائی نوشته شود باید تغییر هیئت کتاب ^{نقطه} کاف " باشد .

اما فایده دیگری که انتشار این کتاب در جمع اهل علم و ارباب قلم در
مغرب زمین بخشید این بود که زمره مستشرقین و مورخین دریافتند
که چگونه اهل غرض به قلم بعضی از ادبای قزوین و به نام یکی از اساتید
گمراه تاکنون اینان را به اشتباه انداخته و گرفتار اوها ساخته اند .
و چنین شهرت داده اند که گوئی امریهائی مخالف امریهایی است و
تخفیف شأن حضرت باب و ترك ذکر او مطمح نظر اهل بهاست .
بهاثمیان ایران بخوبی بر این غرض واقف بودند زیرا که با صد هـ

بیان مبین از حضرت بهاء الله در اعلاى مقام حضرت باب آشنائى داشتند و این در و ظهور را به حکم اعتقاد خویش در حکم واحد میدانستند و مبدأ تاریخ بدیع رابعثت حضرت باب می گرفتند و ایام ولادت و مبعث و شهادت حضرت باب را متبرک می شمردند و در این ایام دست از کار می کشیدند و زیارت شیراز را که محل ظهور دین بابی است باز یارت بغداد که محل جلوه امریهائی است هر دو بیک سان به منزله حج اینان بود و از این شواهد بسیار . . . منتهی بعد از انتشار این کتاب با آن بیان بلیغ در تجلیل شأن حضرت باب و شرح آن قصه جان سوز دل گذ از جگر دوز اروپائیان نیز ترک این شبهه را گفتند . بهائیان غرب نام باب وقت و س و طاهره و وحید و حجت و انیس را به قلم اخلاص بر صفحه قلب خود نگاشتند و تاریخ نویسان و خاور شناسان از غیر اهل بها انصاف دادند که حق مطلب ادا شده و دوستداران یحیی را بیضه در کلاه شکسته است . . . به عنوان مثال می توان از نیکلای فرانسوی Mr. Nicolas عضو سفارت فرانسه در طهران و مؤلف کتابی راجع به حضرت باب و مترجم کتاب بیان به زبان فرانسوی نام برد که اخلاص غریب و ایمان شدیدی به حضرت باب یافته و در بعضی از آثار خویش نگرانی خود را از اینکه مبادا به مناسبت غلبه امریهائی اسم رسم حضرت باب فراموش شود و اسامی دلاوران بابی از یاد رود اظهار داشته بود . این شخص پس از انتشار ترجمه انگلیسی تاریخ نبیل زندی چنین نوشت :

" اکنون به آرامی از چهار چشم می بندم . مبارک باد نام بلند در

شوقی افندی که این طوفان را در قلب من آرام کرد و نگرانی مرا رفع فرمود . مبارک باد نام او که مقام و منزلت حقیقی حضرت سید علی محمد باب را می داند . آن قدر مسرورم که می خواهم دستهای کسی را - بهیچم که نشانی مرا روی پاکت نوشت و توقیع حضرت شوقی را بر ای من ارسال داشت . بی نهایت از آن خانم محترم ممنون و - سپاسگزارم *

در این مقاله سعی شد که به سبک اهل بهای حقیقت مطلب را در مورد کتاب مطالع الانوار و علت انتشار ترجمه آن و دلائل عدم انتشار سایر مدارک تاریخ و امثال ذلك به طور مثبت نوشته شود و از مقابله با بعضی از کلمات و عبارات که از قلم آقای محیط طباطبائی جاری شده است اجتناب گردد . زیرا حق این است که اهل بهای این گونه مطالب راه جد نمی گیرند ، بیشتر به طغیان قلم حمل میکنند ، به نظرافعاض می نگرند و می گذرند . منتهی چون من خواهم ایشان را همواره در زمره اهل تحقیق بشماریم روانی داریم که بعضی از نکات را ناگفته گذاریم .

نوشته اند : " اختلافی میان پسران و مستگان میرزا حسین علی ظاهرا بر سر میراث وی و باطناً در باب میراث ریاست فرقه " پدید آمد . البته اگر حقیقت امر را می خواستند حضرت بهاء الله جز میراث مرغوب معنوی در خزائن توکل و تفویض از برای وراثت نگذاشت و به صریح بیان او در کتاب وصیت خویش " افق اطلی از زخرف دنیا خالی " بود . اما حال که قصد مخالفت با دیانت بهائی را داشته

و به نیت افترا مطلب نگاشته اند لا اقل می بایست محل وقوع "ظاهراً" و "باطناً" را معکوس سازند تا اگر معنی کلام درست نیست ظاهر آن بی ربط و بی منطق نباشد.

نوشته اند: "عبد البها" در کتاب اتمام الوفاء که هفتاد و اندی سال پیش در حیف انتشار یافت. . . . غافل از اینکه حضرت عبد البهجا کتابی بدین نام ندارد و کتاب مورد بحث تذکره الوفاست و در سنه ۱۳۴۲ هجری قمری یعنی پنجاه و اندی سال پیش در حیف انتشار یافت. شاید از کسان دیگر این گونه خطاها قابل نظر باشد، اما کسی که هنر خویش را در وقت در اعداد و ارقام و مقایسه آنها و کشف حقایق سنین و شهر و ایام در لابلای نسخه‌ها اعلام کند نمی تواند خود را مجاز به این اشتباهات بداند و حتی گاهی در مذهب اهل تحقیق به فتوای مستشرقین اعتماد به حافظه بدون رجوع به یادداشت منقول از اصل کتاب گناه ناخوشودنی بشمار می رود.

نوشته اند: "نبیل قائنی در سال ۱۲۹۹ ق. کتاب تاریخ جدید بابیه را . . . با مختصر جرح و تعدیل و اضافه مواد تبلیغی به خط دست خود نوشته و آن را به نام نبیل مربوط ساخته بود. و پس از چندی در ادامه همین مطلب نوشته اند: "این تصرف قائنی که بیشتر جنبه مربوط به منافع و مصالح میرزا حسین علی راتائی می کند بعد از سه سال (۱۳۳۱ ق.) عبد البها را در عکابرانگیخت تا تاریخ

جدید را از گلیه جوانب ناسازگار با کاربرد بهیبراید ویزاید و

صورت مقالصیاح معهود در آورد . * - آسان می توان دریافت
که سه سال بعد از ۱۲۹۹ نمی تواند سال ۱۳۳۱ قمری باشد چه
فاصله این دو تاریخ ۳۲ سال است . اما اگر حمل پراشتباه چاپی
کنیم و مثلاً " رقم دوم را ۱۳۰۲ بخوانیم با تاریخ تألیف مقاله سیاح
که در همین سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۸ تألیف یافته است مطابق نیست
مگر اینکه اشتباه راه رقم سه سال عطف کنیم و گوئیم که منظور از آن
هفت تانه سال بوده است .

نوشته اند : " چگونه تاریخ نبیل زرنندی سی سال بعد از وفات او به
صورت متنی انگلیسی هوید اگر دید ؟

- با توجه^۱ به اینکه وفات نبیل در سال . ۱۳۱ هجری قمری بوده
(و به حساب حروف ابجدی با کلمه " غریق " به مناسبت غرق شدن او
در دریای تطبیق شده است) این ترجمه با حساب آقای محیط ^{پست} می با
در حدود سال . ۱۳۴ هجری قمری واقع شده باشد و حال آنکه -
ترجمه انگلیسی این کتاب بقلم حضرت ولی^۲ امرالله در سال ۱۹۳۳
میلادی که مطابق ۱۳۵۲ هجری قمری است " در مغرب زمین انتشار
یافته است .

نوشته اند : " مسلم است در آن روز که می خواسته اند به کتاب
چاپ برون جواپی داده شود اگر به چنین متن مفصل حاوی نکات
منظور و مطلوب مانند تاریخ تازه چاپ فارسی منسوب به نبیل زرنندی
دسترسی داشتند دیگر نیازی به تدوین کتاب کشف الغطاء یا استمداد^۳
از نعیم شاعر سدهی برای نظم استدلالات^۴ معروف در کار نبود . "

و این بسیار عجیب است که منظومه استدلالیّه "نعیم را که لا بد دیده و خوانده و شناخته و به همین سبب آن راه وصف "معروف" موصوف ساخته اند کتاب تاریخی در رد "نقطه الکاف برون انگاشته" ند و حال آنکه این اشعار فقط سعی در تشریح معتقدات بهائی و اثبات آنها با استناد به احادیث و اخبار و آیات اسلامی و دلائل عقلی و فلسفی است و هیچ ربطی به تاریخ ندارد. خطائسی که مرتکب شده اند این است که از یک طرف از کسی شنیده یا در جانی خوانده اند که نعیم سدهی از جمله کسانسی بود که بر حسب امر حضرت عبدالبهاء بعد از صعود جناب ابوالفضائل گلیایگانی مأموراد امر او در رد - نقطه الکاف برون و تهیه و تنظیم اسناد و مدارک برای انجام این کار شد" و از طرف دیگر نام استدلالیّه منظومه نعیم نیز به گوششان رسیده یا اوراق آن از برابر چشمشان گذشته است و اینک با اعتقاد به حافظه این درواها یکدیگر آمیخته و روی هم ریخته اند.

البته با این همه اشتباهات که از قلم این محقق جاری شده است خوانندگان مجله گوهرشاید دیگر نتوانند به سایر تحقیقات و اعتماد کنند. محقق که کتابی را خوانده و بیاندیده راجع به آن مطلب می نگارد و تاریخ تألیف آن را تعیین می کند و می آنکه از منابعی که در ایام مختلف حیات خود دیده است یادداشت بردارد با اعتماد به حافظه این همه خطا را یک جا و یک باره و یک سره مرتکب می شود. شاید اجازه دهد که در مورد اعتبار سایر مطالب او نیز تردید نمایند. و مثلاً ارتباط مقالات میرزا ملکم خان را با مطالب تاریخ نهب قائنسی

باتأثیر " جلال الدوله وكمال الدوله " آخوندزاده را درآثار -
حضرت عبدالبهاء حتی در تعالیم حضرت بهاء الله بر حساب دعای
چنین محققى نهد بزند . راستى چگونه مى توان مطالب حاکی از -
روشنفکرمنشى و آزاد یخواه مآبى به تقلید قرن نوزدهم اروپا را با -
صغده ناتورالیسم Naturalisme و پوزیتیویسم Positivisme
که در آنها بود با آثار بهائى که بر مبنای اعتقاد به تقدیس و تنزیه ایزد را
و فیض روح القدس و تجلی حق در عالم امر برای سطوع به عالم خلق
و قول به روح قدسى الهى و تسلسل سیر آن در ادوار مختلف ظهور
انبیا و تصدیق وحدت اصلی روحانى در نوع انسان و لزوم سعسى
در توحید جامعه بشرى و تأسیس نظم واحد جهانى بر همین اساس
وحدت اصلی نوعى و استفتاح صلح کل از همین قواعد روحانى
آسمانى است از یک سنخ و از یک قبیل دانست، و باین همه ادعای
تحقیق و تتبع در ملل و نحلل داشت .

اما خوب است این نکته را نیز آقای سید محمد محیط طباطبائی
بدانند که امر حضرت عبدالبهاء به لزوم تحریر جواب در مقابل
کتاب نقطه الکاف نه بدان سبب بود که اهل بهائیات تاریخ امر بدیع
را بنویسند تا کتابى در مقابل کتابى نهاده شود ، بلکه قصد ایشان
آن بود که با جمع مدارک لازمه و کشف نسخه مخطوطه قدیمه نشان -
داره شود که آنچه به نام نقطه الکاف منتشر داشته و مقدمه ای بر آن
نگاشته اند کتاب اصیل و صحیح و دقیق نیست ، فاقد اعتبار و غیر
قابل اعتماد است ، به صورت مطبوعه منتشره خود ربطى

مهاج میرزاجانی کاشانی ندارد ، مسموم شده و تحریف یافته و برای
تأیید بعضی از دعاوی اهل نفاق ، نه به قصد اشاعه حقايق ،
جلوه کرده است . و سپاس خدای را که اينك از يك طرف نسخه
مخطوطه قدیمه این کتاب به دست اهل بها افتاده و جز مدارك
تاریخ ضبط شده است ، و از طرف دیگر آقای سید محمد محیط طباطبائی
در مقاله ای که بوی دوستی با اهل بهانمی دهد اعتراف کرده اند
که نه این کتاب به این صورت از حاج میرزاجانی است ، نه نام
آن نقطه الکاف است و نه مقدمه آن را پرفسور ادوارهرون انگلیسی
نوشته است .

الطافشان مزید باد